

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.

۱

مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین‌المللی
علوم انسانی اسلامی

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

حامیان برگزاری کنگره



مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی

جلد یکم | کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

نایس: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدر)
نویسندهاگان: جمعی از نویسندهاگان مقاوله در چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی
ویراستار: مرتضی طباطبائی
طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی
صفحه آرایی: یوسف بهرخ
نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ دوره
شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۶۸-۹
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۷۰-۲
حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشوردوست، کوچه نوشیروان، پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
تلفنکس: ۰۹۰۵۶۴۰۶۶، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸
www.sccsr.ac.ir
info@sccsr.ac.ir
رایانامه: پایگاه اینترنتی:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

- | | |
|-----|---|
| ۱۳ | نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی
محسن فرمینی فراهانی |
| ۳۷ | تبیین محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی
نیکو دیالمه، مرضیه دهقانی، سکینه خوش‌صفت (نویسنده مسئول) |
| ۶۹ | تبیین و تحلیل رویکردهای بومی‌سازی برنامه درسی علوم انسانی دانشگاهی با نگاه تعلیم و تربیت ایرانی - اسلامی
یدالله اسفندیاری، سولماز نورآبادی |
| ۹۱ | چالش‌های فرادوی تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی
اکبر رهنما |
| ۱۰۷ | نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل بیت ^{علیهم السلام} و کارکردهای روان‌شناسخی - تربیتی آن
علی نقی فقیهی |

مقدمه

چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با عنایات خدای بزرگ و تحت توجهات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دوم آبان ماه ۱۳۹۶ در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صداوسیما با حضور پرشکوه حوزویان و دانشگاهیان در قالب ده کمیسیون تخصصی با ارائه ۸۴ مقاله برگزار شد. مراسم اختتامیه کنگره نیز ۴ آبان ماه در قم و همزمان با اعطای سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی برگزار گردید. سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی به سه تن از صاحب‌نظران بر جسته در این زمینه اعطاء شد. جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین حمید پارسانیا در رشته فلسفه علوم اجتماعی اسلامی، دکتر حسن سبحانی در رشته اقتصاد اسلامی و جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در رشته فلسفه علوم انسانی اسلامی برگزیدگان این دوره از جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی بودند.

کنگره چهارم مانند سه کنگره‌ی قبلی، علاوه بر تولید علم و رونق گفتمان علوم انسانی اسلامی و ایجاد یک اتمسفر علمی جدید در مراکز علمی کشور وظیفه خود را در هموارسازی و جهت‌بخشی صحیح به مسیر تحقیق و پژوهش در عرصه علوم انسانی اسلامی جستجو می‌کرد. تحلیل محتوای مقالات سه کنگره قبلی نشان می‌دهد که سهم اساتید حوزه‌ها و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و سهم مقالات نظریه‌پردازانه در کل کار رو به افزایش بوده و ارتباط کنگره با جامعه علمی نهادینه شده است؛ به نحوی که به تدریج به تبلیغات متعارف، کمتر وابسته است.

اما و در هر صورت باید باور کنیم که علوم انسانی متعارف از محصولات پرقدرت دوران جدید حیات غرب است که از سوی انسان عالم غربی جدید برای تبیین واقعیت انسان عامل غربی جدید تولید شده است. بنابراین جامعه‌شناسی و اقتصاد و سایر علوم انسانی گزارشی است از تحقیق فلسفه زندگی غربی در عینیت واقعیت زندگی انسان غربی. در حقیقت دستاوردهای علوم انسانی، تداوم اجتماعی فلسفه زندگی غربی را نمایان ساخته است.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و بر یک نکته مهم تأکید می‌کنم که هم‌اکنون علوم انسانی متعارف به مثابه فلسفه، دین و ایدئولوژی ایفای نقش می‌کند. راه حل اساسی این مشکل تولید علوم انسانی

مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم است اما با این‌همه درس‌های فراوانی برای آموختن ما از تجربه غرب وجود دارد. این درس‌های زمانی برای ما مفیدند که ما نخواهیم همیشه شاگرد بمانیم؛ اما ما چگونه می‌توانیم برای رهیدن از محدودیت‌های علوم انسانی و استفاده از قابلیت‌های آن نقش ایفا کنیم؟ نظریات علوم انسانی بر مفروضاتی استوار است که می‌توانند از سوی مکاتب فلسفی مختلف توضیحات متفاوت پیدا کنند. فلسفه اسلامی بهویژه حکمت صدرایی به دلیل آنکه محتوای آن بر مدار صیرورت انسانی تدوین شده باید برای تحقق این منظور فراوری شود.

از سوی دیگر از آن رو که موضوع علوم انسانی تبیین واقعیت کنش انسانی است، فرضیات آن با صورت‌بندی دنیای درونی کنشگر شکل می‌گیرد. با این رویکرد علاوه بر فلسفه اسلامی علم اخلاق اسلامی از ظرفیت بالایی برای صورت‌بندی دنیای ذهنی کنشگر و همین‌طور برای نظریه‌پردازی در این حوزه علمی برخوردار است.

علوم انسانی مبتنی بر مبانی قرآنی و دانش‌های فلسفی و کلامی می‌توانند بستر و زمینه‌ی مناسبی را برای نظریه‌پردازی فقهی فراهم آورند علاوه علوم انسانی عرف و متعارف واقعیت زندگی اجتماعی را در اختیار تفهی واقع نگر و مسئول در برابر جامعه قرار خواهد داد. ضمن آنکه آثار و پیامدهای تحقق عملی احکام فقهی با روش‌های علوم انسانی و اجتماعی نمایان خواهند شد. آثار و نتایجی که ممکن است در صورت اطلاع از آن در ماهیت نظریات فقهی اثرگذار باشند. البته از آن‌سو که بخش عظیمی از نظام اعتباریات فرد و جامعه اسلامی را فقه و اخلاق اسلامی می‌سازند، مدل‌سازی کنش انسانی در جوامع اسلامی با مفروض انگاری آموزه‌های اخلاقی و فقهی برای آنان که فقط به دنبال علم بومی هستند نیز باید مورد توجه باشد. اما و در هر صورت تولید علوم انسانی مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم و در ترابط با دانش‌های متعارف حوزه‌ی راهی است که در این دوره حیات اسلام و انسان و با استفاده از فرستاد بی‌نظیر نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای کمک به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اینک و هم‌زمان با انتشار چهارمین جلد از کتاب نظریه، مجموعه مقالات کنگره چهارم که حاوی ۱۱۶ مقاله تأییدشده از بین ۳۷۲ مقاله دریافتی است، در قالب ۱۰ جلد با محوریت ده کمیسیون تخصصی به شرح ذیل در اختیار اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی قرار گرفته است:

- ۱) تعلیم و تربیت اسلامی: ۵ مقاله با مدیریت دکتر محسن فرمهینی فراهانی و با محوریت دانشگاه شاهد؛
- ۲) فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی: ۶ مقاله با مدیریت دکتر عطاء‌الله رفیعی‌آتاني

- و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا؛
۳) مدیریت اسلامی: ۸ مقاله با مدیریت دکتر غلامرضا گودرزی و با محوریت دانشگاه امام
صادق(علیه السلام)؛
- ۴) علوم سیاسی اسلامی: ۱۰ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی و با
محوریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)؛
- ۵) اقتصاد اسلامی: ۱۲ مقاله با مدیریت دکتر محمدعلی متکرآزاد و با محوریت دانشگاه
تبریز؛
- ۶) تمدن نوین اسلامی: ۱۱ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی و با محوریت
دانشگاه شاهد و همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۷) روان‌شناسی اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت دکتر مهرداد کلانتری و با محوریت دانشگاه
اصفهان و همکاری انجمن روان‌شناسی اسلامی؛
- ۸) هنر و معماری اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت مهندس عبدالحمید نقہ‌کار و با محوریت
دانشگاه علم و صنعت؛
- ۹) فقه و حقوق اسلامی: ۱۸ مقاله با مدیریت دکتر محمود حکمت‌نیا و با محوریت پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- ۱۰) ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی: ۱۶ مقاله با مدیریت دکتر سید سعید زاهدانی و
با محوریت دانشگاه شیراز.
- البته در سال‌های گذشته مجموعه مقالات کنگره اول در قالب ۵ جلد (۹۰ مقاله)، مجموعه
مقالات کنگره دوم در قالب ۷ جلد (۱۱۱ مقاله) و مجموعه مقالات کنگره سوم در قالب ۶ جلد
(۹۷ مقاله) منتشر شده بود.
- ... به نظر می‌رسد سنت الهی در این‌گونه امور بر آن است که استمرار، نتیجه‌بخش خواهد
بود و ما به شرط تداوم توفیق الهی در پیگیری این راه تردید نخواهیم کرد و بر همین اساس همچنان
چشم در راه مدد همه استادی و پژوهشگران خواهیم بود.

بمنه و کرمه
عطالله رفیعی آتانی
دیر علمی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تعلیم و تربیت اسلامی»
رئیس کمیسیون: دکتر محسن فرهمنی فراهانی

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- طبیه توسلی: استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- نیره حاجی علیان: دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران
- دکتر سیدعلی حسینی زاده: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مجید دارابی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران
- محمد داوودی: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محسن دیایی صابر: استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سیدمهدي سجادی: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- علی رضا صادق زاده قمرصري: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- محسن فرهمنی فراهانی: دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- علی نقی فقیهی: دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- مصطفی مرادی: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
- حسن ملکی: استاد مدیریت و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی
- محمدحسن میرزامحمدی: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سولماز نورآبادی: استادیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- نجمه وکیلی: استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد واحد رودهن

نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل‌بیت^{علیهم السلام} و کارکردهای روان‌شناختی - تربیتی آن

علی نقی فقیهی

استاد دانشگاه قم، ایران، قم

an-faghihi@qom.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل‌بیت^{علیهم السلام} و بررسی شرایط و توانمندی‌های عقل عاطفی و کارکردهای تربیتی-روان‌شناختی آن است. این پژوهش از تحقیقات کیفی است و با روش توصیفی- تحلیلی، به این مسئله پرداخته که عاطفه از ویژگی‌هایی است که خداوند به عقل داده است و برای ارتقا و رشد روان‌شناختی آدمی و تربیت صحیح برای رسیدن به سعادت، باید عقل عاطفی پرورش یابد. همچنین به این مسئله پرداخته شده که چگونه می‌توان کارکرد عقل را ارتقا داد و پرورش هماهنگ دو بعد شناختی و عاطفی عقل چه آثار تربیتی - روان‌شناختی‌ای خواهد داشت؟ نتایج این تحقیق نشان داد که در آموزه‌های امام علی^{علیهم السلام} عقل در برابر عاطفه نیست؛ بلکه سرچشمه آن است، و تأکید بر این است که جهت بهینه‌سازی کارکرد عقل باید با کمک گرفتن از وحی، علم و تجربه، بعد شناختی و عاطفی به صورت هماهنگ پرورش یابد. از جمله کارکردهای پرورش هماهنگ جنبه‌های شناختی و عاطفی عقل، رشد شناختی توأم با گرایش محبتی به خدا، انسان‌ها، خود، جهان‌هستی، زندگی و فضایل انسانی است که متربی را

مقدمه

به عملکردهای شایسته و مطلوب سوق می‌دهد و زمینه را برای دستیابی به حیات قرب و رضوان الهی فراهم می‌آورد.
کلیدوازگان: عقل، عاطفه، هماهنگ‌سازی، کارکردهای روان‌شناختی - تربیتی.

درباره اینکه عقل چیست و چه جایگاهی در هستی آدمی دارد آرای گوناگونی مطرح شده است. فیلسوفان، عموماً عقل را همان نفس ناطقه آدمی که منشأ معرفت بشری است دانسته‌اند (فولکیه، ۱۳۷۰، ص ۱۸۹). بسیاری از دانشمندان اسلامی نیز عقل را با همین ویژگی معرفی کرده‌اند (شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۴) و کارایی عقل را در دو بخش نظری و عملی تبیین کرده و تصریح نموده‌اند که عقل در بعد نظری به شناخت حقایق هستی و اقامه استدلال و برهان منطقی بر اثبات یا نفی حقیقتی در عالم وجود و در بعد عملی به شناخت خوبی و بدی فعل انسان می‌پردازد (شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۴) و برخی عقل عملی را علاوه بر شناخت، عامل هم دانسته‌اند و معتقدند که عقل، آدمی را به عملکرد خوب و شایسته دعوت، و از عملکرد بد نهی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۱). در آموزه‌های اولیای دین، عقل با ویژگی‌هایی توصیف شده است؛ نظیر اینکه پایه هستی انسان عقل است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵) و همین پایه اساسی اورا از دیگر مخلوقات تمایز و اشرف ساخته است و در صورت پرورش از طریق فراگیری علم و تجربه‌اندوختی^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۹۱، ص ۹۱)، تفکر^۳ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۰۷)، تعلم^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹)، تذکر و عبرت‌آموزی^۵ (صبحی صالح، ۱۴۱۴، خ ۱۴۱۴، ص ۸۳)، و اعانت از وحی^۶ (دشتی، ۱۳۸۱، خ ۱)، می‌تواند انسان را در فرایند تربیت و مسیر سعادت جاوید هدایت کند. در احادیث ما، عقل بشری به عنوان محبوب‌ترین مخلوق^۷ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۲)،

۱. امام صادق[ؑ] فرمود: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعُقْلُ...».
۲. امام علی[ؑ] فرمود: «الْعُقْلُ عَرِيزَةٌ تَرِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ».
۳. امام کاظم[ؑ] می‌فرماید: «دلیل العقل التفکر».
۴. امام کاظم[ؑ] می‌فرماید: «أَنَّهُ لَا يَنْتَهِي بِعْقَلِهِ إِنْ لَمْ يَصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ».
۵. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «أَلَيْا بَا حَازِمَةُ ... وَعُبَّرَ فَاعْتَبَرَا».
۶. «وَبَشِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْمُقْوِلِ».
۷. امام صادق[ؑ] می‌فرماید خداوند به عقل فرمود: «وَعَزَّتِي وَجَالَى مَا خَلَقَتْ أَحَبَّ إِلَى مَنْكَ».

افضل نعمات خداوند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴) و اینکه ارزش انسانی او به عقل اوست^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۰۰) شناخته می‌شود. همچنین عقل آدمی رسول باطنی اوست^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷) که با هماهنگ‌سازی بعد شناختی و عاطفی، در جهت انتخاب عملکردهای تربیتی مناسب در مسیر کمال گام برمی‌دارد. در متون اسلامی، عقل به عنوان «اساس دین»^۴ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۰۲)، «رهوارترین مرکب»^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳)، انس‌گیر^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۷)، مردم‌دوست^۷ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵)، آن هم «بهترین دوست»^۸ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴)، استقبال‌کننده از نظرهای گوناگون و عاقبت‌اندیش^۹ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۶)، تجربه‌اندوز^{۱۰} (دشتی، ۱۳۸۱، نامه ۳۱، ص ۱۶۱)، هدایتگر و نجات‌دهنده^{۱۱} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۴)، عامل فائق آمدن به مشکلات زندگی^{۱۲} (محلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۷)، معیار و میزان برای تقرب الى الله^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲) و کسب

۱. امام رضا[ؑ] فرمود: «الْعَقْلُ جِبَاءٌ مِّنَ اللَّهِ» و پیامبر اکرم[ؐ] می‌فرماید: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعَبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲). همچنین فرمود: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل... وما ادى فرائض الله حتى عقله عنه ولا بلغ...؛ خداوند متعال میان بندگانش نعمتی برتر از عقل تقسیم نکرده است و بندگان فرائض الهی را به جانمی آورند تا آن‌ها را با عقل خود دریابند و...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳).
۲. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «قيمة كل امرئ عقله».
۳. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «العقل رسول الحق».
۴. پیامبر اکرم[ؐ] فرمود: «قام المرء عقله ولا دين له؛ اساس موجودیت انسان عقل او است و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد».
۵. رسول اکرم[ؐ] می‌فرماید: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل... وما ادى فرائض الله حتى عقله عنه ولا بلغ...».
۶. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «الْعَقْلُ حِيثُ كَانَ أَلْفُ مَأْلُوفٍ».
۷. «رَأَسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَ التَّحَمُّبُ إِلَى النَّاسِ».
۸. امیر مؤمنان علی[ؑ] می‌فرماید: «لاغنى كالعقل ولا فقر كالجهل؛ هیچ بی نیازی همچون عقل و هیچ فقری همچون جهل نیست».
۹. «اَلَا وَإِنَّ الْلَّيِّبَ مَنْ اسْتَبَّلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ بِفَكِّرٍ صَائِبٍ وَنَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ».
۱۰. «الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ».
۱۱. «الْعَقْلُ يَهْدِي وَيَنْجِي».
۱۲. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «لا يستعن على الدهر الا بالعقل».
۱۳. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «ان الله تبارک وتعالی يحاسب الناس على قدر ما آتاهم من العقوبات في دار الدنيا»؛ خداوند متعال مردم را به مقدار عقلی که در دنیا به آنها داده است محاسبه می‌کند.

پاداش^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۴)، عامل دستیابی به قدرت، شادی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۷۵)، رضایت خدا و بهشت^۳ (ابن بابویه، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۹) و حتی سبقت گرفتن از دیگران در رفتن به بهشت^۴ (oram، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۳) معرفی شده است. این توصیف‌ها حکایت از آن دارد که شاکله وجود آدمی که عقل است، جنبه‌های گوناگون دارد و به ادراک و معرفت منحصر نیست. در این پژوهش برآئیم تا به بررسی جنبه عاطفی عقل، بر اساس دیدگاه اهل بیت^۵ و نقش آن در تعلیم و تربیت پردازیم. به عبارت دیگر اینکه عقل از چه توانمندی‌هایی برخوردار است و چگونه می‌توانندی‌ها را با رور ساخت و کارکرد عقل را ارتقاد داد و آثار تربیتی- روان‌شناسی آن کدام است، مسائل مورد بررسی و تحلیل در این تحقیق است.

آموزه‌های حدیثی و نظریه عقل عاطفی

در آموزه‌های حدیثی اولیای دین اسلام، عقل صرفاً ویژگی معرفتی ندارد، بلکه ویژگی عاطفی نیز دارد و هماهنگ با جنبه معرفتی، عواطف ظهور بسیاری در عملکردهای عقلی دارند. منظور از عقل عاطفی این است که عقل علاوه بر ادراک حقایق هستی، زیبایی‌ها و زشتی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌های رفتارهای آدمی، به خدا، ارزش‌ها، دیگر انسان‌ها و زندگی انسانی در نظام هستی گرایش مثبت دارد و از این‌روست که انسان خدا را دوست دارد و با او ارتباط برقرار می‌کند؛ ارزش‌های اخلاقی را دوست دارد و به آنها امر می‌کند و از اخلاق رذیله اشمتزار دارد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۷)؛ با انسان‌ها می‌جوشد و به آنان محبت می‌کند و احترام می‌گذارد و با آنها مؤانست دارد^۷ (همان) و به طور کلی خود و دیگران را با عواطف مطلوب و عملکردهای مهربانانه مدیریت می‌کند^۸ (همان، ص ۲۰۲). در آموزه‌های دینی برای ویژگی عاطفی و عملکردهای عاطفی عقل، جدا از ادراک و معرفت، حسابی ویژه باز شده است. از این‌رو در آموزه‌های اهل بیت^۹ عقل با بیش از هفتاد

۱. از امام صادق^{۱۰} روایت شده است: «ان الثواب على قدر العقل»؛ ثواب و پاداش عمل به نسبت عقل است.
۲. «أَصْلُ الْعُقْلِ الْقُدْرَةُ وَأَمْرَتُهَا السُّرُورُ».
۳. رسول اکرم^{۱۱} می‌فرماید: «الْعَقْلَ مَا اكْسَبَتِ بِهِ الْجَهَنَّمَ وَطُلِبَ بِهِ رَضَى الرَّحْمَنِ».
۴. «قَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَّاتٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا حَجَّاً وَلَا اعْتِمَارًا وَلَكِنَّهُمْ عَقَلُوا عَنِ اللَّهِ مُوَاعِظَهُ».
۵. «العقل متّه عن المنكر، أمر بالمعروف».
۶. «العقل حيث كان ألف مألف».
۷. «ادل شيء على غرازه العقل حسن التدبير».

وصف و فعل عاطفی چون: محبت^۱ (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵)، حق‌پذیری، معاشرت نیکو، خویشتنداری هنگام خشم و غلبه بر هواهای نفسانی، تواضع، رحم، حیا و گرایش به ارزش‌ها، رافت، رحمت، رفق، تسليم و رضا (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۷) توصیف شده است.

عقل فطري و عقل تجربى

در آموزه‌های اهل بیت^۲ آمده است که عقل خدادادی که در اصل خلقت انسان وجود دارد، توانمندی است که با دانش و تجربه افزایش می‌یابد^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۱). این توانمندی‌ها ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی دارند^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۳). در حقیقت عقل به همان نفس مدرکه انسان گفته می‌شود که جنبه ادراکی و عاطفی را با هم دارد و در عین حال منشأ رفتار می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۲۱۶). این عقل فطري با کمک گرفتن از وحى، علم و تجربه، می‌تواند پرورش و ارتقا یابد و به صورت عقل متكامل، در درجات نامحدود درآيد و منافع آدمى را در حیطه‌های گوناگون مسیر حرکت به سوی سعادت تأمین نماید^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۶).

در توضیح باید گفت عقل فطري که توانمندی طبیعی در همه انسان‌هاست، اگرچه نسبت به عقل متكامل، بالقوه است، ولی در عین حال اصل وجود نورانی‌اش در انسان‌ها خدادادی و بالفعل است و نورافشانی دارد^۶ (ابن‌ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۴۸) و با استفاده از وحى و هدایت‌های انبیا، علوم و تجربیات بشری، توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایش را بالا می‌برد و متكامل می‌سازد و موجب ارتقای کمالی انسان می‌شود^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). نقش انبیا در باروری عقل بسیار مهم است؛ زیرا هم با تعلیم کتاب و حکمت (يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) (بقره، ۱۲۹) و هم با اعطای حکمت (وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ) (لقمان، ۱۲)^۸ عقل از امدادهای مستقیم

۱. «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَ التَّحَمَّبُ إِلَى النَّاسِ».

۲. امام على^۹ فرمود: «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزَيَّدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ».

۳. اشاره به حدیث عقل و جهل است که مجموعه‌ای از توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی را برای عقل بر می‌شمارد.

۴. امام على^۹ می فرماید: «الْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الطَّبَيْعِ وَعَقْلُ التَّجَرِبَةِ وَكَلَّاهُمَا يَؤْتَى إِلَى الْمَفْعَةِ».

۵. پیامبر اکرم^{۱۰} می فرماید: «الْعَقْلُ ثُورٌ خَلْقَةُ اللَّهِ لِإِنْسَانٍ...».

۶. امام صادق^{۱۱} فرمود: «وَبِالْعَقْلِ يَكُمُلُ وَ...».

۷. امام موسی بن جعفر^{۱۲} در وصایای خود به هشام بن حکم فرمود: «قَالَ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمَ وَالْعُقْلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶).

و غیر مستقیم الهی در افزایش ادراکات علوم خاص و امور غیبی و روشن‌سازی راه‌های سعادتمندی بهره‌مند می‌شود.

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام توانمندی‌های عقل فطری که باید پرورش یابد، بسیار گسترده است. مجموعه این توانمندی‌ها را می‌توان در سه بخش توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی دسته‌بندی کرد. گفتگی است که همگان اذعان دارند که عقل جنبه شناختی دارد و فیلسوفان که عقل را به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرده‌اند نیز قائل اند که عقل توانمندی‌های عملکردی نیز دارد (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۱). در روایات هم چنین مطلبی بیان شده است^۱ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۲): اما نکته مهمی که اهل بیت علیهم السلام به تبیین آن پرداخته‌اند این است که عقل جنبه عاطفی هم دارد و خدا عاطفه را در اصل وجودش سرشته است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲). در حدیث مشهور جنود عقل و جهل، از میان ۷۵ صفت عقل، ۶۷ صفت عاطفی ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲) و در روایات متعددی سرچشمه صفاتی مانند: حب و مودت^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۳)، رحمت، رافت، رفق^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۷) و دیگر ویژگی‌های عاطفی، عقل دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۷).

تحلیل روایت عقل

در آموزه‌های معصومان علیهم السلام از عقل بسیار سخن گفته شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد گسترده‌ترین تعابیر روایی ما درباره عقل است. تنها در کتاب بحار الأنوار بیش از دو هزار بار از عقل سخن به میان آمده است و اگر به آن کلمات مترادف و یا متقابله عقل^۵ (مانند لب، نهیه، فهم، فکر و قلب) و مفاهیم مخالف آن (مانند حماقت، جهالت و سفاهت) را بیفزاییم، چندین هزار بار از

۱. أمير المؤمنين عليه السلام فرموده است: «العقل أن يقول ما تعرف و تعمل بما تنطق».

۲. امام صادق عليه السلام فرمود: «فِمَا أَعْطَى الْعُقْلَ... التَّعْطُفُ...».

۳. رسول خدا عليه السلام می‌فرماید: «رَأْسُ الْعُقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوْدُدُ إِلَيَّ النَّاسِ» و نیز فرمود: «الْتَّوْدُدُ إِلَيَّ النَّاسِ نِصْفُ الْعُقْلِ».

۴. پیامبر اکرم عليه السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعُقْلَ مِنْ نُورٍ... وَالرَّأْفَةَ هُنَّهُ وَالرَّحْمَةَ قَلْبُهُ».

۵. راغب اصفهانی در المفردات، واژه عقل، و ملاصدرا در تفسیرش پس از اشاره به بعضی از واژه‌های مترادف عقل، تصریح کرده‌اند واژه‌های مذکور نظیر هم هستند. (تفسیر القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۵۸).

عقل سخن به میان آمده است؛ بهویژه اینکه بیشتر کاربردهای عقل مشتقات فعلی آن است. مثلاً در قرآن اصلاً خود واژه عقل به کار نرفته و از ۴۹ باری که از این اشتقاق استفاده شده، همه آنها حالت فعلی دارند. از این میان، ۴۸ بار فعل مضارع و یکبار فعل ماضی است. واژگان مترادف نیز همین طورند. به علاوه بیشترین کاربرد مفهومی عقل در روایات، توصیف عقل به صفات و افعال عاطفی و تحریض مخاطبان بر پذیرش حق، ارزش‌ها، و برقراری رابطه محبتی با آنها، خدا، مردم و ارتقا بخشی به عزت و کرامت خویش و عدم ارتکاب ظلم، دشمنی، رفتار زشت و مانند آن است. اینها حکایت از آن دارند که گرچه عقل از مهم‌ترین مناشی معرفت بشری است، ولی توجه به ویژگی عاطفی قوی آن در کنار معرفت، ضروری است و بدون آن، شناخت ما از عقل کامل نیست. در حقیقت، در ساختار طبیعی و فطری آدمی عقل با عاطفه همراه است و باید با هم پرورش یابند. بنابراین کسی که عقلش بیشتر پرورش یافته، عواطفش نیز بیشتر رشد می‌یابد. از این‌رو است که پیامبر اکرم ﷺ به اعقل الناس^۱ (مجلسی، ۱۴۰، ۳، ج ۱۷، ص ۳۰۹) توصیف شده و در عین حال توصیف شده به اینکه بسیار نسبت به مردم عطف‌بود^۲ (همان، ج ۹، ص ۳۳۱). حتی در حدیث آمده است که آن حضرت، عاطفی‌ترین مردم بوده است^۳ (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۱، ج ۱، ص ۱۴۵). علاوه بر اینکه بر اساس روایات، صفات و رفتارهای عاطفی نقش بسیار مهمی در حیات طیبه آدمی دارند و کمال و سعادت دنیا و آخرت مرهون آنهاست.

با توجه به این تحلیل از روایات، جداسازی انسان‌ها به دو دسته که یک دسته عاقل‌اند و دسته دیگر عاطفی‌اند، صحیح نیست. انسان‌ها همگی فطرتاً دارای عقل عاطفی‌اند و اگر کسی فهمی نسبت به چیزی دارد ولی عاطفی نیست، دلیلش این است که عقلش در همه ابعادش پرورش نیافته است.

کارکردهای عقل در تعلیم و تربیت

کارکرد، در ادبیات علوم اجتماعی به معنای اثر و نقش است (فصیحی، ۱۳۹۸، ۱۱۰، ص ۱۱۰) و منظور از کارکرد تربیتی و روان‌شناسی عقل در این مقاله، نقش مثبتی است که عقل به صورت پنهان و غیرمقصود یا آشکارا و مقصود در تحولات و تغییرات پایدار شناختی، عاطفی و عملکرد آدمی دارد.

۱. «کَانَ مِنْ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَعْقَلَ حَلْقَ اللَّهِ».

۲. قال عليؑ: «وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْمِ رَحِيمًا وَ عَلَيْهِمْ عَطْلُوفًا».

۳. «كَانَ اللَّهُ أَحْكَمُ النَّاسِ وَأَحْلَمُهُمْ وَأَسْجَنَهُمْ وَأَعْدَلَهُمْ وَأَعْظَمُهُمْ».

و زمینه دستیابی به اهداف والای زندگی را فراهم می‌سازد.

از دیدگاه اهل بیت علیه السلام عقل سه دسته کارکرد مهم در تعلیم و تربیت دارد: الف) کارکرد در بعد دانایی، شناخت، بینش و باور؛ ب) کارکرد در بعد عواطف و گرایش‌ها؛ ج) کارکرد در بعد عمل و رفتار. در ادامه به تبیین این موارد می‌پردازیم.

الف) کارکرد عقل در بعد دانایی، شناخت، بینش و باور

نخستین کارکرد عقل در تعلیم و تربیت این است که می‌تواند از حجت‌های باطنی و ظاهری بهره‌مند شود و به حقایق امور ادراک و معرفت یابد و حق را از باطل تشخیص دهد و به بینش و اعتقاد و داشتن جهان‌بینی صحیح دست یابد. این کارکردها به صورت‌های زیر تبیین پذیرند:

۱. دین‌شناسی: عقل است که دین را می‌شناسد و دین سالم از غیر سالم را تشخیص می‌دهد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸). محورهای اساسی دین همچون: شناخت خدا و صفات کمالیه او^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹) و تدبیر نظام هستی توسط او^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹)، ادراک حق بودن معاد و لزوم نبوت و شناخت حجت و خلیفه الهی^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵) همه از درک عقلی سرچشمه می‌گیرد.

عقل انسان را در راه شناخت خدا و اوصاف او، یاری می‌دهد و با استفاده از مقدماتی که با تفکر در آیات انفسی و آفاقی به دست آورده، بر وجود خداوند و حقانیت او استدلال می‌کند و سپس به شناخت پیامبر و امام به عنوان خلیفه الله و خوبی‌ها و بدی‌ها و در نهایت به شناخت راه و روش زندگی می‌پردازد. در واقع پایه شخصیت انسان عقل است و هوش و فهم نیز از آن سرچشمه می‌گیرد و کلید همه کارهای است. پس اگر عقل انسان به نور خدایی مؤید شود، دانشمند و حافظ و متذکر می‌گردد، دین را درک می‌کند و آن را می‌پذیرد^۵ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۴؛ تمیمی

۱. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «وَالسَّلَامَةُ فِي الدِّينِ ... بِأَنْ يَكُمَلَ عَقْلُهُ».

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... فِي الْعُقْلِ عِرْفُ الْعِبَادِ خَالِقُهُمْ وَأَنَّهُمْ مُخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ الْمَدِيرُ لَهُمْ وَأَنَّهُمْ الْمَدِيرُونَ وَأَنَّهُ الْبَاقِي وَهُمُ الْفَانِونَ ...». و نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْعَاكِلَ لِدِلَالِهِ عَقْلُهُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قَوَّامَهُ وَزَيْنَتَهُ وَهَدَاهُ إِلَيْهِ عَلْمَانَ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّهُ» و فرمایش رسول اکرم علیه السلام که فرمود: «... وَرِبُّنَا يَعْرِفُ بِالْعُقْلِ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ بِالْعُقْلِ».

۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... فِي الْعُقْلِ عِرْفُ الْعِبَادِ خَالِقُهُمْ وَأَنَّهُمْ مُخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ الْمَدِيرُ لَهُمْ وَأَنَّهُمْ الْمَدِيرُونَ وَأَنَّهُ الْبَاقِي وَهُمُ الْفَانِونَ ...».

۴. امام کاظم علیه السلام فرمود: «الْعُقْلُ يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيَصَدِّقُهُ وَالْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ».

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ» و نیز فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عُقْلٌ لَهُ» و نیز می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ الْعُقْلِ يَكُونُ الدِّينُ» و پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: «قَوْمٌ أُمْرُهُ عَقْلٌ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عُقْلٌ لَهُ».

آمدی، ص ۷۸۳ و ۴۵۲) و می‌فهمد چرا به دنیا آمده و چه هدفی را باید دنبال کند و چه مسیری را در زندگی باید پیماید.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵).

۲. انسان‌شناسی: انسان‌شناسی از سودمندترین علوم و از مهم‌ترین توانمندی‌های عقل به شمار می‌آید^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۱۲); زیرا با چنین شناختی می‌توان به نهایت هر داشت و معرفتی راه یافت^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۰). عقل با سیر در نفس، انسان را در ابعاد گوناگون می‌شناسد و توانمندی‌ها، امیال، نیازمندی‌ها، اهداف و امکانات او را در سیر به سوی کمال پیش می‌برد؛ چون عقل است که آدمی را از اسارت‌ها و بندها معرفتی آزاد می‌سازد و از هر چه اورا از نیل به سرمنزل مقصود باز دارد، رها می‌کند^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳). همچنین به آدمی کمک می‌کند تا جایگاه و روش زندگی‌اش را در این دنیا درک کند و بشناسد^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). بعلاوه حق‌پذیری، کمال خواهی و لذت‌طلبی نیز از عقل نشت می‌گیرد؛ ارزش‌شناسی و گرایش به اخلاق: عقل منشأ، شناخت و فهم همه خوبی‌ها و بدی‌هاست.

انسان با کمک عقل و تفکر می‌تواند خوبی‌ها را بشناسد؛ همان‌طور که می‌تواند بدی‌ها را بشناسد و رشت را از زیبا و صحیح را از غیرصحیح تشخیص دهد^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹). تمامی خوبی‌ها از عقل نشت می‌گیرند^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱). در واقع می‌توان گفت که آدمیان همان‌گونه که خالق خویش را می‌شناسند، حسن و قبح اشیا را نیز درک می‌کنند^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹). بعلاوه عقل همانند دز محاکمی در برابر خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی قرار می‌گیرد و به راحتی آن را از پا درمی‌آورد^۹ (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ح ۴۲۴، ص ۵۵۱)؛

۱. امام صادق ع فرمود: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعُقْلُ وَالْعُقْلُ مِنْ الْفَطْنَةِ وَالْفَهْمِ وَالْحِفْظِ وَالْعِلْمِ وَبِالْعُقْلِ يَكُمُّ وَمُوْ ذَلِيلُهُ وَمُبَصِّرُهُ وَمُفْتَاحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافظًا ذَا كَرَأَ فَطْنَاهُ فَهَمَّا فَعَلَمَ بِذَلِكَ كِيفَ وَلَمْ وَحِيتُ وَعَرَفَ مَنْ تَصَحَّهُ وَمَنْ غَشَّهُ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَمَؤْسُولَهُ وَمَفْصُولَهُ وَأَحْلَاصُ الْوَحْدَانِيَّةِ لِلَّهِ وَالْأَقْرَازُ بِالظَّاهِرِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدِرِكًا لِمَا فَاثَ وَوَارِدًا عَلَىٰ مَا هُوَ أَتٍ يَعْرِفُ مَا هُوَ يَهِي وَلَأَنَّ شَيْءًا هُوَ هَاهُنَا وَمِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ وَإِلَىٰ مَا هُوَ صَائِرٌ وَ...».

۲. امام علی ع می‌فرماید: «معرفة النفس أنفع المعارف».

۳. امام علی ع فرمود: «من عرف نفسه فقد انتهى إلى غاية كل معرفة وعلم».

۴. امام علی ع می‌فرماید: «الْعَالَمُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ وَأَعْنَتَهَا وَبَرَّهَا بَنْ كَلَّ مَا يَعْدُهَا وَيَوْبِقُهَا».

۵. امام صادق ع فرمود: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعُقْلُ... فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ... فَعَلَمَ بِذَلِكَ كِيفَ وَلَمْ وَحِيتُ».

۶. امام صادق ع می‌فرماید: «عَرَفُوا بِهِ (العقل) الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِحِ».

۷. امام علی ع فرمود: «العقل ينبع الخير».

۸. امام صادق ع می‌فرماید: «فِي الْعُقْلِ عِرْفُ الْعِبَادِ خَالِقَهُمْ وَعَرَفُوا بِهِ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِحِ».

۹. امیر مؤمنان علی ع می‌فرماید: «الْعُقْلُ حَسَانٌ قَاطِعٌ... قَاتِلٌ هَوَّاكِ بِعَقْلِكَ».

۴. حقایق‌شناسی: این توانمندی عقل جنبه‌های مختلفی دارد که از جمله آنها تمایز حق از باطل است. در روایات اسلامی عقل در قلب به چراغی در خانه تشییه شده^۱ (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج، ص ۹۸) که نوری از خود دارد و با این نور حقایق را بر ملا می‌کند؛ بین حق و باطل تفاوت می‌گذارد و به صاحب خویش حق‌پذیری را القا می‌نماید^۲ (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج، ص ۱۹۸). همچنین با راهنمایی عقل، انسان به حقایق معارف و مقاصد دینی دست می‌یابد. بدین سبب عقل را باید ابزار شناخت حقایق علوم الهی و معارف دینی دانست؛ یعنی عمق حکمت به وسیله عقل استخراج می‌شود؛ درحالی که عمق عقل نیز به وسیله حکمت بیرون می‌آید^۳ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج، ص ۹۵). پس عقل با ادراک حقایق عقلیه و تحصیل معارف حکمیه نفس را از قوه به فعل و از نقص به کمال می‌رساند. از منظر شیخ مفید عقل در اثبات حجتیت کتاب و سنت، اعتبار و کاربرد دارد. از برخی نوشته‌های او استفاده می‌شود که او برای عقل صلاحیت و قابلیت شناخت برخی از احکام شرعی را باور دارد (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۳).

یکی دیگر از مصادیق حقایق‌شناسی، درک عالم غیب است که عقل انسان به دلیل محدودیتش در تعلقات دنیا ای به تنهایی نمی‌تواند آن را بفهمد، اما دامنه درک عقل با کمک وحی، بی‌نهایت است. عقل بشری در ارتقای خود و با کمک راهنمایی و حیانی می‌تواند هر چیزی را بفهمد؛ مانند عالم ملکوت، عالم بزرخ و برخی از احکام عبادی؛ گرچه بدون راهنمایی و کمک از وحی، عقل بشر به آنها راه ندارد. در این موارد چنین نیست که اینها دینی‌اند و عقلانی نیستند؛ بلکه اینها عقلانی‌اند، منتهی با عقل مؤید به راهنمایی وحی قابل درک‌اند و بدون آن درک نمی‌شوند. از این سخن می‌توان استنتاج کرد که چنین نیست که هر چه را عقل بشر از دین نفهمد، غیرعقلانی باشد. درک‌های مقابل و متضاد با دین را نیز نمی‌توان عقلی دانست؛ مثلاً نمی‌توان گفت نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد یا امر به ذبح اسماعیل غیرعقلانی است. اینکه عقل توانسته فلسفه اینها را بفهمد، به معنای غیرعقلانی بودن نیست. این امور عقلانی‌اند، ولی درکشان به هدایت و انکشافی نیاز دارد که دین در این زمینه می‌تواند داشته باشد؛

۵. عاقبت‌شناسی: عقل راهنمای مؤمن برای شناختن رستگاری، عاقبت‌به‌خیری و چگونگی

۱. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَثُلُ الْعُقْلُ فِي الْقُلُوبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ».

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: «الْعُقْلُ نُورٌ فِي الْقُلُوبِ يُفَرَّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ».

۳. امام صادق علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «بالعقل استخرج غور الحكمة» و «وبالحكمة استخرج غور العقل».

کسب بهشت است. انسان از طریق عقل می‌تواند اعمال صالح را از غیرصالح تشخیص دهد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵) و سپس خوبی‌ها را انتخاب کرده، بدانها عمل کند تا به رستگاری و عاقبت‌به‌خیری برسد و کمال خود را در بهشت تجربه کند^۲ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۰۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱ و ۲۵). عقلانیت یعنی به‌کارگیری عقل در امور دینی و دنیوی که از شاخصه‌های تعالی‌یافته‌گی انسان است. لذا رستگاری تنها از بستر عقلانیت حاصل می‌شود؛ چنان‌که امام صادق[ؑ] به مفضل بن عمر، از اصحاب برجسته خود فرمود: «یا مفضل لا يفلح من لا يعقل» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶).

۶. منافع‌شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا: آخرت مسئله انکارناپذیری است که انسان باید ناگزیر برای آباد کردن آن بکوشد؛ لذا می‌تواند برای دستیابی به این خواسته، از راهنمای درونی خود یعنی عقل کمک بگیرد؛ زیرا عاقل کسی است که به فکر تهیه زاد و توشه آخرت است^۳ (لیشی واسطی، ۱۳۷۶ق، ص ۴۶۹) و هرگز دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دهد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۱)؛ بلکه همواره می‌کوشد که آخرتش را آباد نماید^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۰۸).

ب) کارکرد عقل در بعد عواطف و گرایش‌ها

بخشی از نقش‌های خودورزی انسان در تعلیم و تربیت، مربوط به توانمندی عاطفی است؛ یعنی انسان با داشتن عقل، به خدا، اولیای الهی، ارزش‌ها، همسردوستی، مردمدوستی و مانند آن گرایش عاطفی پیدا می‌کند و به دنبال آن به پذیرش حق، خدا، ارزش‌ها و... می‌گراید. در اصل با این توانمندی، آدمی می‌تواند به یکی از راههای درست یا نادرست زندگی گرایش یابد و به دنبال آن سعادت و یا شقاوت خویش را رقم بزند.

در این قسمت می‌کوشیم برخی نقش‌های این توانمندی عاطفی عقل در تعلیم و تربیت را که در روایات اهل بیت[ؑ] به آنها اشاره شده بیان کنیم:

۱. حق‌پذیری و خضوع در برابر حقیقت: روحیه حقیقت‌پذیری در روایات، علامت و نشانه

۱. امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «الْعَقْلُ ذَلِيلُ الْمُؤْمِنِ».

۲. امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «مَا عِدَّ بِهِ الرَّحْمَنُ وَأَكْتَسَبَ بِهِ الْجِنَّاتُ» و «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

۳. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «من العقل التَّرَوَّد لِيَوْمِ الْمَعَادِ».

۴. امام علی[ؑ] فرمود: «مَنْ لَمْ يُؤثِرْ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا فَلَا عَقْلٌ لَهُ».

۵. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «مَنْ عَمِّرْ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ».

اعاقل ترین مردم دانسته شده است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶). در تحلیل این بخش می‌توان گفت که لازمه تسليم شدن در مقابل حق، شناخت و درک آن است و این امری علمی و معرفتی است که بر اثر تعلم و تعقل حاصل می‌شود. این شناخت موجب می‌گردد که عقل به انسان فرمان دهد تا از آن حق شناخته شده پیروی کند؛

۲. میل به رضا و تسلیم خدا بودن، گذشت و بخشناس از خطا و اشتباهات دیگران، پذیرش تواضع، حیا و پاسداری کردن از ارزش‌ها و در کل اینکه پذیرفته شود که خوبی‌ها بارزش‌اند، و سرتسلیم در برابر آنها فرود می‌آورد؛

۳. گرایش و پذیرش حب و دوست داشتن: انسان می‌تواند خدا، خود، دیگران و حتی جهان هستی را دوست داشته باشد و در راستای این حب و دوستی، توانمندی عاطفی خود را فعال سازد.

ج) کارکرد عقل در بعد عملکردی

منظور از توانمندی عقل در بعد عملکردی این است که عقل چه کارهایی را انجام می‌دهد. برخی فیلسفه‌دانان به دلیل این توانمندی عقل، یکی از اقسام آن را عقل عملی شمرده‌اند. آنان معتقدند که عقل عملی، از نوع فعل و عمل است، و عقل نظری، مُدرک امور و حقایق است؛ یعنی عقل عملی، میل و اراده به انجام دادن فعل را دارد و عقل نظری، مُدرکات را درک می‌کند. نیز گفته‌اند: عقل نظری، نیرویی است که امور نظری و کلی را درک می‌کند، و عقل عملی، امور مربوط به عمل را. بنابراین وظایف عقل نظری، استدلال و استنباط، ادراک کلیات و تطبیق مفهوم بر مصداق است و وظایف عقل عملی، تهذیب ظاهر و باطن، بازسازی نفس و توکل بر خداوند است. در ادامه مواردی از کارکرد این توانمندی عقل، در تعلیم و تربیت، بیان می‌شود:

۱. تلاش برای اندیشیدن: از کارکردهای عملی عقل، تفکر^۲ (بقره: ۲۱۹)، تعقل^۳ (نور: ۶۱)، تفقه و تدبیر^۴ (انعام: ۶۵) است. مشتقات واژه عقل، ۴۹ بار در قرآن (۴۸ بار آن فعل مضارع و یک بار فعل ماضی) به معنای وسیله‌ای برای درست اندیشیدن و به شناخت حق از باطل

١. امام کاظم علیہ السلام به هشام فرمود: «تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلُ النَّاسِ».

٢. (كذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَسْفَكُرُونَ).

٣. (كذلك يبيّن الله لكم الآيات لعلكم تعقلون).

٤. (أَنْظُرْ كِيفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ).

- رسیدن به کار گرفته شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۵)؛
۲. کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی‌ها و اجتناب از اعمال رشت: مهم‌ترین کارکردی که عقل در این بخش انجام می‌دهد، آن است که انسان را به خوبی‌ها سوق می‌دهد و عمل به آنها را تقویت می‌نماید و همچنین اورا به نفرت و اجتناب از اعمال رشت و امامی دارد؛ مانند رفتار نیکو و مواجهه اخلاقی مطلوب با دیگران^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳)، در پیش گرفتن عفت و پاک‌دامنی^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۴)، مروت داشتن و لکه‌دار نکردن عزت ملت و آیین خود^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹)، دوری از گناه و غرق نشدن در زینت‌های دنیوی^۴ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۷)، راست‌گویی و پرهیز از دروغ^۵ (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹)، تواضع^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱)، مهار کردن و بازدارندگی از خبائث و بدی‌ها^۷ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵)، قناعت پیشه کردن^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸)، عبادت و پرستیدن خداوند^۹ (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱)، ترک امور غیرضرور دنیا^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷) و...؛
۳. عامل به احکام شرع: از کارهایی که عقل انجام می‌دهد این است که می‌کوشد به احکام شرع عمل کند و بدین وسیله دین‌داری و ایمان تعمیق و تقویت یابد. بر اساس چنین عقلی است که این قاعده اصولی درست شده است: «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل وكل ما حکم به العقل حکم به الشرع» (مظفر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۴). بنابراین هیچ تعارضی بین حکم عقل و دین پدیدار نمی‌شود. عقل و دین دو اساس هستند که هرگز از هم جدا نمی‌شوند

۱. امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا».

۲. امام علی[ؑ] می‌فرماید: «من عقل عف».

۳. از امام موسی کاظم[ؑ] نقل شده که فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا مُرْوَةَ لَهُ وَلَا مُرْوَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».

۴. امام موسی کاظم[ؑ] فرمود: «إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكِيفَ الذُّنُوبُ».

۵. امام موسی کاظم[ؑ] می‌فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاءٌ».

۶. امام صادق[ؑ] در بیان لشکریان عقل و جهل می‌فرماید: «وَالْتَّوَاضِعُ وَضَدُّهُ الْكَبْرُ»؛ یعنی [از جمله لشکریان عقل] تواضع است و کبر در برابر آن [از لشکریان جهل] است.

۷. پیامبر اکرم^ﷺ فرمود: «إِنَّ الْعُقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسَ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِ فَإِنْ لَمْ تُعْلَمْ حَارِثٌ».

۸. امام کاظم[ؑ] در خطاب به هشام می‌فرماید: «مَنْ عَقَلَ فَقَعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَمَنْ قَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَغْنَى».

۹. رسول الله^ﷺ فرمود: «إِلَكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَدِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ فَبِقَدْرِ عَقْلِهِ تَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ» و همچنین امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «مَا عَبَدَ اللَّهَ بِشَيْءٍ أَفْضَلُ مِنَ الْعُقْلِ».

۱۰. امام کاظم[ؑ] می‌فرماید: «إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكِيفَ الذُّنُوبُ».

بحث و نتیجه گیری

بر اساس آرای فیلسوفان، عقل همان نفس ناطقه آدمی است که منشأ معرفت بشری است و در دو بخش نظری و عملی کارایی دارد. در آموزه‌های حدیثی نیز اولیای دین اسلام معتقدند که عقل علاوه بر ویژگی معرفتی، ویژگی عاطفی نیز دارد و هماهنگ با جنبه معرفتی، عواطف ظهور بسیاری در عملکردهای عقلی دارند. همچنین عقل با بیش از هفتاد وصف و فعل عاطفی چون محبت، حق پذیری، معاشرت نیکو، خویشتداری هنگام خشم و غلبه بر هوای نفسانی، تواضع، رحم، حیا و گرایش به ارزش‌ها، رافت، رحمت، رفق، تسليم و رضا توصیف شده است.

۱. امام علیؑ می‌فرماید: «الْعُقُولُ أَئِمَّةُ الْأَفْكَارِ».

۲. امام صادقؑ فرموده‌اند: «إِنَّ الْعَاقِلَ لِدَلَالَةِ الْعُقُولِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهَ قَوَامَهُ وَزَيْنَتَهُ وَهَدَاهُ إِلَيْهِ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَإِنَّهُ هُوَ رَبُّهُ».

۳. امام علیؑ می‌فرماید: «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا».

۴. امام علیؑ می‌فرماید: «الْعَقُولُ أَنْكَ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ وَتَعْدُ فَلَا تُخْلُفُ وَإِذَا غَضَبَتْ حَلُمَتْ».

و به میزان عقل، دین نیز تقویت می‌گردد؛ یعنی هرچقدر عقل کامل‌تر باشد، اجرای دین نیز آسان‌تر و کامل‌تر خواهد بود؛

۴. هدایت و تدبیر: عقل هم نفس خود را و هم دیگری را هدایت و تدبیر می‌کند. عقل انسان در اداره کردن و تصمیم گرفتن وی در امور مختلف نقش بسزایی دارد؛ زیرا عقل است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد و در واقع پیشوای فکر انسان است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶). امام علیؑ درباره آن می‌فرماید: «... لَا عَقْلٌ كَالْتَّدِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰). در روایات دینی فلسفه آفرینش عقل، هدایت عاقل به شمار آمده است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ یعنی عقل با کارکرد شناختش در حیطه‌های مختلف می‌تواند پس از شناخت امور، با تدبیر کردن و اندیشیدن در راه و روش صحیح زندگی، صاحب خود را به سرمنزلگاه سعادت هدایت کند؛

۵. تلاش برای میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط: یکی از کارکردهای عملی عقل، تعادل در امور است^۳ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۸۶) که نشان می‌دهد انسان با استفاده صحیح از آن، دچار انحراف نمی‌شود، میانه‌رو می‌گردد و راه افراط و تفریط را پیش نمی‌گیرد؛ از اسراف و زیاده‌روی دوری می‌کند؛ و عده‌ای که می‌دهد در آن تخلف نمی‌کند؛ وقتی غضبناک شد، برباری می‌نماید و...^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۲).

در آموزه‌های معصومان ﷺ هزاران بار از کلمات مترادف و یا متقاب‌ر عقل مانند لب، نهیه، فهم، فکر و قلب، و مفاهیم مخالف آن مانند حماقت، جهالت و سفاهت، سخن به میان آمده است؛ بهویژه اینکه بیشتر کاربردهای عقل، مشتقات فعلی آن است. علاوه بر اینکه بر اساس روایات، صفات و رفتارهای عاطفی نقش بسیار مهمی در حیات طبیه آدمی دارند و کمال و سعادت دنیا و آخرت مرهون آنهاست. با توجه به این تحلیل از روایات، جداسازی انسان‌ها به دو دسته که یک دسته عاقل‌اند و دسته دیگر عاطفی، صحیح نیست. انسان‌ها همه فطرتاً دارای عقل عاطفی‌اند و اگر کسی فهمی نسبت به چیزی دارد، ولی عاطفی نیست، دلیلش این است که عقلش در همه ابعادش پرورش نیافته است.

اهل‌بیت ﷺ عقل را توانمندی دانایی شناختی، عاطفی و عملکردی آدمی دانسته‌اند که با دانش و تجربه افزایش می‌یابد و به صورت توانمندی‌های گسترده در تعلیم و تربیت نقش ایفا می‌کند.

توانمندی‌های عقل به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. توانمندی شناختی که در شش دسته دین‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، حقایق‌شناسی، عاقبت‌شناسی و منبع‌شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا مطرح می‌شود؛
۲. توانمندی عاطفی که در این بخش حق‌پذیری و خضوع در برابر حقیقت، گرایش و پذیرش حب و دوست داشتن و مواردی چون رضا و تسليم، پذیرش گذشت و بخشش دیگران، تواضع و حیا بیان شده است؛
۳. توانمندی عملکردی عقل که به بیان مواردی چون تلاش برای اندیشیدن، کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی‌ها و اجتناب از اعمال زشت، عمل به احکام شرع و هدایت و تدبیر می‌پردازد.

نقش عقل در سه حیطه یادشده همانگ با برداشت ثقة‌الاسلام کلینی (۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴) و محقق دیلمی (۱۴۱۲ق، ص ۱۹۸) از برخی آموزه‌های روایی است که کار اصلی عقل را روش‌نگری، واقع‌نمایی، آینده‌نگری و قرار دادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته می‌دانند.

نقش توانمندی‌های سه گانه عقل در تعلیم و تربیت به صورت فهرست‌وار، در جدول زیر قابل مشاهده است.

توانمندی‌های عقلانی	نقش عقل در تعلیم و تربیت
۱. توانمندی‌های شناختی	۱-۱. دین‌شناسی
	۱-۲. انسان‌شناسی
	۱-۳. ارزش‌شناسی
	۱-۴. حقایق‌شناسی
	۱-۵. عاقبت‌شناسی
	۱-۶. منافع‌شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا
۲. توانمندی‌های عاطفی	۲-۱. حق پذیری و خضوع در برابر حقیقت
	۲-۲. میل به رضا و تسلیم خدا بودن، گذشت و بخشش از خطأ و اشتباهات دیگران، پذیرش تواضع، حیا و پاسداری کردن از ارزش‌ها و ...
	۲-۳. گرایش و پذیرش حب و دوست داشتن
۳. توانمندی‌های عملکردی	۳-۱. تلاش برای اندیشیدن
	۳-۲. کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی‌ها و اجتناب از اعمال زشت
	۳-۳. عامل به احکام شرع
	۳-۴. هدایت و تدبیر
	۳-۵. تلاش برای میانهروی و دوری از افراط و تفریط

منابع

١. قرآن کریم.
٢. ابن ابی الحدید(۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
٣. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳). عوالی الثنالی العزیزیة فی الأحادیث الـدینیة. قم: دارسید الشہداء للنشر.
٤. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). خصال. قم: جامعه مدرسین.
٥. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). عيون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
٦. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم: کتابفروشی داوری.
٧. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٨. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر الغفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٩. ابن شهرآشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). المناقب. قم: علامه.
١٠. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحسن. قم: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
١١. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش. چاپ چهارم.
١٢. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرالحکم و درر الكلم. قم: دارالکتب الاسلامی. چاپ دوم.
١٣. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
١٤. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: آل البيت. چاپ اول.
١٥. دشتی، محمد (۱۳۸۱). ترجمه نهج البلاغه. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
١٦. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲). ارشاد القلوب. قم: انتشارات شریف مرتضی.
١٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
١٨. صبحی صالح (۱۴۱۴). نهج البلاغه. تحقیق و چاپ صبحی صالح. قم: هجرت.
١٩. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
٢٠. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضه الوعاظین. قم: رضی.
٢١. فضیحی، امان الله (۱۳۹۸ق). بررسی کارآمدی نظریه کارکردگرایی، معرفت فرهنگی اجتماعی.

۲۲. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۹). نگرشی نو بر تاریخ فلسفه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
۲۳. فولکیه، پل (۱۳۷۰). مابعدالطبعه. ترجمه یحیی مهدوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
۲۶. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحكم و الموعظ (لیثی). قم: دارالحدیث.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآة العقول. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد و همکاران (۱۳۸۷). خودگاری در قرآن و حدیث. ترجمه مهدی مهریزی. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. چاپ سوم.
۳۰. مظفر، محمدرضا (بی‌تا). اصول فقه. قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). تصحیح الاعتقادات الامامیه. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ دوم.
۳۲. ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر قرآن الکریم. قم: انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۳۳. ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (بی‌تا). اسفار اربعه. قم: شرکه دارالمعارف الاسلامیه.
۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: آل‌البیت علیهم السلام. چاپ دوم.
۳۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). مجموعه ورام. قم: مکتبه فقهیه.